



بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً به برادران عزیز خیلی خوشامد عرض می کنیم. مدتی است که این جمع شورای محترم نگهبان را با هم زیارت نکرده بودیم؛ اگرچه خدمت بعضی از آقایان می رسیم. ثانیاً من از زحمات برادران عزیز تشکر می کنم و می دانم که برای امر انتخابات دلسوزی و تلاش مجدانه زیادی را دوستان کرده اند. از خدای متعال درخواست می کنیم و امیدوار هستیم که تفضّل الهی شامل حال شود و این زحمات را قبول کند و همه برادران را - چه آنهایی که در مرکز هستند و چه آنهایی که در سرتاسر کشور تلاش کردند - مأجور بدارد.

همه کسانی که برای انتخابات کار و تلاش می کنند، پیش خدای متعال مأجورند؛ چون انتخابات حقیقتاً امر مهمی در کشور ماست. آن چیزی که توانسته است دهان دشمنان عنود و لجوج جمهوری اسلامی را ببندد و بهانه های آنها را در همه چشمها واهی و سست بنمایاند، حضور و شرکت و انتخاب و دخالت مردم در امر حکومت است. مطمئناً اگر حکومت دینی از این پشتوانه بزرگ برخوردار نبود، دشمنان میدانهای بیشتری برای قضاوتهای غیرمنصفانه خودشان داشتند.

هر کس برای انتخابات کار توأم با اخلاص و به عنوان انجام وظیفه کند، اجر بسیار بالایی دارد؛ هم کسانی که در وزارت کشور هستند، هم کسانی که برای شورای محترم نگهبان کار می کنند، هم خود اعضای محترم این شورا. بنابراین هر چند که فشار کار خیلی زیاد بوده و زیاد هم خواهد شد؛ اما وقتی انسان به اجر و رضایت الهی بیندیشد، احساس می کند که کارهای سنگین و بزرگ برایش آسان می شود و می تواند با نشاط کار کند.

درباره اختلاف نظرهایی که بین شوراهای نظارت و شورای مرکزی نظارت و وزارت کشور وجود دارد - همیشه این اختلاف نظرها وجود داشته - بنده توصیه ام به طرفین همیشه این بوده و هست که ملاک را قانون قرار دهند؛ چون آن چیزی که می تواند خطّ شاخص باشد و از هرج و مرج ناشی از اختلاف نظر مانع شود، قانون است. خطّ قانون را ملاک قرار دهند و بر طبق قانون کار کنند. این که باشد، «انقطع عنه السن المعاندین»؛ کسانی که حقیقتاً عناد دارند، نمی توانند بهانه جویی کنند؛ نقطه ضعفی بیابند و روی آن فشار بیاورند.

درباره احراز صلاحیتها قبلاً با جناب آقای «جتّی» و همچنین با بعضی از دوستان دیگر صحبتهای متعدّدی داشته ایم. آنچه که در مسأله احراز صلاحیت به ذهنم می رسد، این است که احراز، وظیفه شورای نگهبان است و قهراً باید صلاحیتها را احراز کند؛ همچنان که وظیفه وزارت کشور هم هست. کسی که داوطلب می شود تا وارد میدانی شود که شرایطی برای آن میدان هست و شما هم مسؤول این گذرگاه هستید، طبیعی است که بایستی شرایط را در آن شخص احراز کنید. این، مخصوص شورای نگهبان هم نیست؛ به عهده همه است. البته آقایان احراز را حتمی بگیرید؛ اما دایره محرز را خیلی تنگ نگیرید؛ یعنی صلاحیتی که برای مجلس هست، مشخص شود که چگونه

صلاحیتی است. واقعاً ببینیم آن مقدار صلاحیتی که برای مجلس در زمینه التزام به قانون اساسی و التزام به دین مبین اسلام و بقیه شرایط وجود دارد، چه اندازه التزامی است. می شود این را يك امر مقول به تشكيك دانست که شدّت و ضعف دارد. آن التزام شدید کذایی که با اندک چیزی که دیده شود مخدوش می گردد، معلوم نیست که برای نماینده مجلس لازم باشد؛ آن مثلاً فرض بفرمایید برای رهبری یا برای برخی از مقامات عالی رتبه دیگر لازم است.

برای مجلس حدّی از این خصوصیات و شرایط لازم است که ما اسمش را صلاحیتها می گذاریم. آن حد را باید درست تشخیص داد و آن را احراز کرد. گاهی مثلاً فرض بفرمایید يك نفر در فضایی قرار می گیرد که هیجانی می شود و حرفی می زند که ممکن است حرف خوب و درستی نباشد؛ اما حاکی از عدم التزام آن شخص به دین یا به جمهوری اسلامی نیست. فرض کنید جوانی است که در محیطی هیجانی قرار گرفته و چند نفر مطلبی گفته اند و او هم حرفی زده، یا در جلسه ای که دو، سه یا پنج نفر از دوستان راجع به کشور و اسلام صحبت می کنند، جمله ای گفته که این جمله ممکن است در صحبتی دوستانه قابل قبول باشد - هرچند که انتقادآمیز بوده؛ یا انتقاد از رهبری یا از برخی از



مبانی نظام - اما نمی توان این جمله و حرف را که به گوش ما رسیده، حاکی بدانیم از این که این شخص از صلاحیت ساقط شده است. این مطلب را برای توضیح معنای تنگ نگرفتن دایره محرز گفتم. شرایطی هست که باید احراز شود؛ منتها اندازه وجود این شرایط در اشخاص مختلف، ممکن است مختلف باشد؛ همچنان که آن مسائلی که حاکی از وجود یا فقدان این شرایط هست، آنها هم در شرایط و اوضاع و احوال مختلف تفاوت پیدا می کند. مطلب دیگر این است که ما احراز را حتمی می دانیم؛ ولی در این گونه مواقع عادتاً احراز یقینی و علمی ممکن نیست و احراز به معنای قیام بیته هم تقریباً همین طور است. اگرچه فرموده اند دو نفر یا سه نفر هم باشند کافی است؛ اما کمتر پیدا می شود مواردی که دو نفر شاهد عادل شهادت دهنده عن حسّ بیابند و راجع به مطلبی شهادت دهند. در خیلی از این مسائل، مرزهای حدس و حس با هم نزدیک است و گاهی حدسیات با حسیات مشتبه می شود؛ بخصوص که در خیلی از حرفها و اظهارات، جای تفاسیر مختلف وجود دارد؛ یعنی شخصی حرفی زده، وقتی شما به خودش مراجعه می کنید، می گوید من منظورم چیز دیگری بوده است. نمی شود گریبان او را گرفت که ظاهر حرفت این است. اگر کسی خلاف ظاهر اراده کرده، یا در آن وقت توجه به ظاهر نداشته، خلاف شرع که نکرده است. بنابراین «ممکن است» شخصی خلاف ظاهر حرف زده باشد؛ همین ممکن که شد، احتمال وارد می شود و پایه شهادت عن حسّ را سست می کند. بنابراین احراز که می گوییم، مراد احراز علمی یا احراز شرعی به معنای قیام بیته نیست، بلکه مراد احراز عرفی ناشی از قرائن و امارات است که باید قرائن و اماراتی قائم شود و انسان با یک اطمینان عرفی به این معنا برسد، که البته ممکن است در هر دو طرف قرائن و امارات وجود داشته باشد؛ مثلاً اگر یک نفر در جایی حرفی زده و در جای دیگری هم حرف دیگری زده که نقطه مقابل آن حرف است، این هم باید به حساب بیاید و انسان از مجموع و برآیند اینها مطلبی را احراز کند؛ یعنی آن نقاط اثبات کننده هم در کنار نقاطی که به حسب ظاهر، صلاحیتها را نفی می کند، به حساب آید.

البته خوشبختانه - همان طور که جناب آقای جنتی اشاره کردند - قانون، گستره و امتداد منطقی ای دارد؛ یعنی موضوع در شوراهای شهرستان و استان و بعد هم در هیأت مرکزی در عرض بیست و یکی، دو روز بررسی می شود و در طی این مدت فرصت برای خود شورای نگهبان است که این شورا می تواند نسبت به آنچه اتفاق افتاده بازنگری کند. این خیلی فرصت خوبی است و هیچ اشکالی هم ندارد. البته هر وقت انسان پی برد که مسأله ای حقّ است، هیچ اشکالی ندارد که بگوید ما آن وقت این طور تشخیص دادیم، حالا طور دیگری روشن شد؛ از حرفمان برمی گردیم. انسان نبایستی در مقابل آنچه که فهمید و تشخیص داد که حقّ است، پافشاری کند.

الحمدلله مجموعه شورای نگهبان، مجموعه بسیار باارزش و گرانبهایی است؛ فقها و حقوقدانان محترم؛ شخصیتهای خوشنام، خوش سابقه و امین. بنابراین حقیقتاً می توانید یک نگاه با فرصتی بکنید و اطمینان مردم هم جلب خواهد شد. من البته به هیچ وجه توصیه نمی کنم که کسی در مقابل افرادی که می خواهند با قانون گردن کلفتی کنند کوتاه بیاید؛ این را هم به آقایان گفتم، هم به بعضی از کسانی که برای شکایت پیش ما آمدند؛ اما مؤکداً توصیه می کنم که مراقب باشید حقّ کسی ضایع نشود؛ چون ردّ صلاحیت چیز کوچکی نیست؛ یعنی این که ما کسی را ردّ صلاحیت کنیم و احیاناً صلاحیت داشته باشد. «جرح»، مسأله خیلی مهمی است. این طور نیست که بگوییم ما این طور فهمیدیم؛ نه، باید جوانبش کاملاً دیده و رعایت شود. در بعضی از موارد و مصادیقی - بنا نداریم وارد جزئیات شویم - که به بنده دو سه روز قبل ارائه شد و دیدم، این معنا و آنچه انسان انتظار دارد، وجود نداشت. باید سعی کنید آنچه انجام می گیرد، متقن باشد. من همواره به دوستان عزیز و محترم شورای نگهبان گفته ام که انسان باید جای پا را مستحکم انتخاب کند و بر روی آن بایستد؛ زیرا پانایستی سست باشد و هیچ شبهه تخلف و تخطی از قانون یا کوتاهی در امر تطبیق با قانون نباید به وجود آید.

مردم دوست دارند در انتخابات شرکت کنند و ان شاءالله شرکت هم می کنند و به انتخابات علاقه مندند و این روال احراز و تشخیص صلاحیت هم یک روال همه جایی دنیایی است و مخصوص ایران و مخصوص مجلس شورای اسلامی هم نیست. در همه جا وقتی انسان برای مسؤولیتی مأموریت دارد که مسؤول معین کند، قهراً تفحص و جستجو می کند که آیا این شخص صلاحیت دارد یا ندارد؛ این هیچ ارتباط ندارد به این که مجلس شورای اسلامی



باشد یا غیرمجلس شورای اسلامی. بنابراین کار، کار معمولی ای است؛ کاری است که در همه جای دنیا و پیش همه عقلای عالم انجام می‌گیرد. فرض کنید یک نفر را برای مسؤولیتی به مجلس معرفی می‌کنند. مجلس بی خود که به این شخص رأی نمی‌دهد، بلکه تفحص، تحقیق، مطالعه و جستجو می‌کند تا ببیند که این شخص نقطه ضعفی نداشته باشد. اگر نپسندید، رد می‌کند. این رد کردن را نمی‌شود به مجلس ایراد گرفت؛ زیرا مجلس صلاحیت آن شخص را احراز نکرده و او را رد کرده است. عین همین قضیه درباره نمایندگان مجلس هم طبعاً صادق است. بنابراین روال، روال عادی است و مردم هم این روال را قبول دارند و قانون اساسی هم این روال را احراز کرده است. آنچه که وظیفه من و شماست، این است که سعی کنیم آنچه را که وظیفه قانونی است، با دقت و با اتقان و با رعایت حال آن کسانی که با آنها سر و کار داریم، انجام دهیم؛ یعنی ظلم به کسی نشود و حق کسی پامال نگردد. افرادی که صدای کلفتی دارند و همه صدای آنها را می‌شنوند، به نظر من به قدر آن استاد دانشگاه که فرضاً نامه خصوصی به جناب آقای جنتی می‌نویسد که مرا رد صلاحیت کرده اند، در حالی که خصوصیات و سوابق من این است، اهمیت ندارند. من دلم برای آن شخص می‌سوزد و برای کسی که در گوشه و کنار باشد و خدای نکرده به حق او بی توجهی شده و رد صلاحیت شده، در حالی که به طور عقلایی و عرفی و با همان قرائن عادی می‌شود صلاحیتش را احراز کرد. آنچه بنده را نگران می‌کند این است که نکند چنین اتفاق بیفتد. حالا که الحمدالله فرصت هست، واقعاً پرونده یک یک افرادی را که هستند، نگاه کنید. البته ممکن است بعضی سابقه ای داشته باشند که انسان براساس قرائنی که دارد، تأیید می‌کند آن سوابق - که الان مطلوب نیست - از آن اشخاص منقطع شده است. بنابراین انسان باید برطبق وضعیت حال حکم کند.

در مورد نمایندگان مجلس هم من به جناب آقای جنتی پیغام دادم - پای این مطلب هم ایستاده ام و به نظر من هیچ شبهه هم ندارد - که این جا جای استصحاب است، مادامی که خلافش ثابت شود؛ یعنی شما نگوئید ما آن وقت یقین نداشتیم؛ نه، حمل بر صحت کنید. جایی هم که هم عمل خودتان را - آنهایی که بودید - هم عمل دیگران را - آنها که نبودند - شک دارید، حمل بر صحت کنید. اینهایی که آمدند، با احراز آمده اند؛ مگر خلافش ثابت شود. اگر خلافش ثابت شد، به حرف هیچ کس گوش نکنید و همان مطلبی را که ثابت شده عمل کنید؛ اما اگر خلافش ثابت نشد، این احراز، استصحاب است و هیچ لزومی ندارد که انسان بخواهد از طریق دیگری این صلاحیت را احراز کند. به نظر من در مورد نمایندگان مجلس، می‌شود این کار را انجام داد. البته حساب آن کسی که بعد از احراز صلاحیت، عدم صلاحیتش ثابت شده، جداست و آن، محل کلام نیست؛ اما مادامی که احراز عدم صلاحیت نشده، جای استصحاب صلاحیت است؛ آن وقت صالح بود، حالا هم صلاحیتش را استصحاب کنید. آن جایی هم که شک هست، استصحاب کنید. این، مخصوص نمایندگانی است که احراز صلاحیتشان در دوره قبل شده است. البته کسانی در دوره های اسبق بوده اند که طبعاً چنانچه در دوره قبل صلاحیتشان رد شده باشد، دیگر این جا جای استصحاب نخواهد بود؛ اما اگر کسانی هستند که دوره های قبل در مجلس بوده اند و بعد هم اصلاً نامزد نشده اند، همین حرف برایشان جاری خواهد بود.

راه، راه همواری است؛ راه دشواری نیست؛ بعضی سعی می‌کنند کارهای آسان را مشکل کنند و کارهایی که راه قانونی دارد، از راه قانونی مشی نکنند؛ نه، این کار راه قانونی دارد و شما تازه مسؤولیت قانونی و رسمیتان شروع شده و می‌توانید رسیدگی کنید. در این زمینه هیچ اشکالی به نظر نمی‌رسد. به هر حال ما شما را دعا می‌کنیم؛ دشواری کار شما را هم می‌دانیم. این طور کارها که رنگی از قضاوت دارد، همیشه مورد تهاجم است؛ بالاخره یکی از دو نفر در قضاوت، انسان را مورد طعن و دق قرار می‌دهند؛ این مسأله قهری است و انسان بایستی خودش را برای این طور مسائل آماده کند. هرچه این فشارها بیشتر باشد، اجر شما پیش خدای متعال بیشتر است؛ از اینها خیلی ابایی نداشته باشید؛ بالاخره هست. در راه حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی و برای اقامه این بنای رفیع و مستحکم که امید آینده امت اسلامی است و امروز هم مایه امید امت اسلامی است، باید مبارزه و مجاهدت کرد؛ باید سختیها را تحمل نمود. انواع و اقسام سختیها وجود دارد و این هم یکی از سختیهاست، که البته فقط هم این نیست. ان شاءالله این سختیها را تحمل کنید، خدای متعال اجر خواهد داد.



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته